

ذره بین

گزارش «آرمان ملی» از آخرین تحولات ایران و آمریکا

هدف اقتصادی ترامپ

از تقویت حضور نظامی در منطقه

آرمان ملی: روایت رسانه ها در مورد تحرکات ایران و آمریکا در شرایط کنونی یکی از داغ ترین اخبار رسانه های داخلی است. برخی تصور می کنند ترامپ با انتقال دادن ناوها به نزدیکی خلیج فارس عملا قصد دارد شرایطی مانند ونزوئلا را برای ایران ایجاد کند و از سوی دیگر رسماً اعلام می کند که موضوع مذاکره در حال بررسی است. از این اقدام و بیان آمریکایی ها می توان به این نتیجه رسید که آنها قصد دارند آخرین فشارها را به ایران وارد کنند تا تهران خواسته آنها را بپذیرد. در برابر ایران از مدت ها قبل اعلام کرده است که حاضر به پذیرش پیش شرط های هسته ای و موشکی آمریکاییست. از این رو آمریکا به هیچ وجه قصد مذاکره ندارد و اگر آمریکا در یک شرایط برابر قصد مذاکره داشته باشد و حقوق هسته ای ایران را به رسمیت بشناسد تهران حاضر است که در ارتباط با پرونده هسته ای و نه موشکی مذاکره کند. با این وجود آمریکایی ها رسماً به سمت تهدید برای پذیرش شروط خود پیش رفته اند و البته ایران هم کماکان به حقوق هسته ای خود تاکید دارد.

تحرکات آمریکا در عراق

سوی دیگر ماجرا به تحرکات آمریکا در عراق بازمی گردد. در شرایطی که آمریکایی ها در حدود دو سال گذشته دست به هر اقدامی زده اند تا حشد الشعبی در عراق منحل شود، حتی رسماً در این ارتباط تهدید نظامی کرده اند اما در عراق نه تنها حشد الشعبی منحل نشده است بلکه شیعیان نزدیک به ایران با وجود تحریم انتخابات توسط جریان شیعه صدر در عراق، در پارلمان این کشور اکثریت را در دست گرفته اند و نوری المالکی نزدیک ترین سیاستمدار در عراق احتمالاً نخست وزیر این کشور خواهد شد. لذا ترامپ رسماً در این ارتباط موضع گرفته است و خواستار آن شده که نزدیک ترین چهره سیاسی به ایران در عراق نخست وزیر نشود. به گزارش ایسنا، ترامپ در پیامی در شبکه اجتماعی «تروث سوشال» نوشت: «می شنوم که کشور بزرگ عراق ممکن است با بازگرداندن نوری المالکی به مقام نخست وزیر، آخرین انتخاب بسیار بدی انجام دهد. آخرین باری که مالکی در قدرت بود، کشور به فقر و هرج و مرج کامل سقوط کرد. نباید اجازه داد این اتفاق دوباره تکرار شود». وی در ادامه نوشت: «او به دلیل سیاست ها و ایدئولوژی های دیوانه وارش اگر انتخاب شود، ایالات متحده آمریکا دیگر به عراق کمک نخواهد کرد و اگر ما برای کمک آنجا نباشیم، عراق هیچ شانس‌ی برای موفقیت، کامیابی یا آزادی نخواهد داشت. عراق را دوباره با عظمت کنیم!» از این رو ترامپ در جبهه ای دیگر عملاً با تهران درافتاده تا بتواند اولاً مالکی را از حضور در قدرت کنار بگذارد و در ثانی مسیری را که برای انحلال مقاومت در عراق در نظر دارد، دنبال کند.

آخرین اظهارات ترامپ

دونالد ترامپ تقریباً هر روز در ارتباط با کارزار فشار بر ایران صحبت می کند. رسانه ها آخرین اظهارات او را چنین آورده اند: یک ناوگان عظیم به سمت ایران در حرکت است. این ناوگان با سرعت، قدرت، اشتیاق و هدف مشخص حرکت می کند. این ناوگان که با ناو هواپیمابر بزرگ یواس اس آبراهام لینکلن هدایت می شود، وی افزود: امیدوارم ایران به سرعت «پای میز» بیاید و یک توافق عادلانه و منصفانه، بدون سلاح هسته ای که به نفع همه طرف ها باشد، مذاکره کند. زمان در حال گذر است؛ واقعا حیاتی است! این اظهارات ترامپ در شرایطی اعلام می شود که اولاً ایران صراحتاً اعلام کرده به دنبال ساخت سلاح هسته ای نیست در ثانی آمریکا به تأسیسات هسته ای ایران حمله کرده و عملاً غنی سازی صورت نمی گیرد که بمبی توسط ایران ساخته شود. همچنین رئیس جمهور آمریکا ادامه داده است: همان طور که قبلاً به ایران گفتیم: یک توافق نخواهد دیدیم! آنها این کار را نکردند، و نتیجه «عملیات چکش نیمه شب» شد.

ترامپ دنبال چیست؟

بر اساس آخرین تحلیل ها هدف ترامپ از آوردن ناوها به منطقه و جنگ روانی که او علیه تهران به راه انداخته است، در این خلاصه می شود که ترامپ دنبال پروژه ای برای تنگ تر کردن حلقه محاصره تهران از منظر نظامی است تا بتواند با شکل گیری شرایط خاصی در ایران، ساختار سیاسی را در فشار قرار دهد که مجبور به انتخاب بین اقتصاد و غنی شود و از این طریق به اهدافی که در موضوع غنی سازی دارد، دست یابد. در شرایط کنونی از ترکیه تا عربستان تا برخی کشورهای عربی منطقه در حال ریزینی با ایران و آمریکا هستند تا سطح تنش را کنترل کنند حال باید دید در آینده چه خواهد شد، ضمن اینکه ایران هم برای صلح اعلام آمادگی کرده و هم اینکه ادامه دفاع از خود است.

پنجشنبه

۱۱ • ۰۹ • ۱۴۰۴

۵۹ شعبان ۱۴۴۷ / ۲۹ ژانویه ۲۰۲۵

سال هشتم

شماره ۲۳۱۳

armanmeli.ir

«آرمان ملی» تلاش ها برای کاهش تنش میان ایران و آمریکا را بررسی می کند

میان‌ه جنگ و دیپلماسی

◀ سیدعباس عراقچی: در فضای تهدید نمی توان از مذاکره صحبت کرد



جنگ صحبت می کنند؛ اما به نظر می رسد که با در نظرگرفتن هزینه های جنگ در منطقه و برای رسیدن به توافق ترسیم نکرد و صرفاً با زیاده خواهی و طرح مسائلی غیر قابل پذیرش مذاکره را به شرایطی بدون نتیجه کشانده است. حتی در آخرین مذاکرات غیر رسمی که میان تهران و واشنگتن با میانجی گری عمان در مسقط انجام شد نیز بازمه این ایران بود که به طور فعالانه پیگیری رسیدن به توافق بود و بنا بود در دور ششم مذاکرات بسته پیشنهادی خود را به طرف مقابل ارائه کند؛ اما بازمه این طرف غربی بود که با علم به این مساله میز مذاکره را بمباران و مذاکره را خیلی از محتوا کرد. از آن پس نیز هر زمان صحبت از مذاکره میان ایران و آمریکا شده این مهم یادآوری شده که به ایران در حال مذاکره حمله

امنیت منطقه ای

پس از اتفاقات اخیر تنش ها میان ایران و آمریکا بالا گرفت به حدی که ترامپ بارها تهدیدات مستقیم و غیرمستقیمی علیه ایران مطرح کرد. اما کشورهای منطقه درصدد در قبال ایران مطرح کرده و به نوعی هم رو به تهدید با ایران آورده و هم صحبت از مذاکره کردند، رویکردی همیشگی که معمولاً در قبال ایران پیش گرفته اند. آمریکایی ها امروز در شرایطی در مورد ایران صحبت می کنند که تلاش دارند با فشار روز افزون اقتصادی ایران مجبور به مذاکره آن هم نه مذاکره عادلانه و برابر بلکه مذاکرات از جنسی که ترامپ می گوید یعنی پذیرش خواسته های طرف مقابل کنند. نزدیک شدن ناویواس اس آبراهام لینکن به منطقه این پیام را می دهد که آمریکایی ها همچنان معتقد به فشار بر تهران هستند. هر

چندکه بسیاری از تحلیلگران از احتمال بالای

صهیونیستی، تأکید کرد: «تهدیدات نظامی و عملیات روانی واشنگتن نه تنها کمکی به حل بحران ها نمی کند، بلکه امنیت منطقه را بیش از پیش شکننده می سازد». پزشکیان با یادآوری تجربه های پیشین گفت وگو با آمریکا و اروپا، تصریح کرد: «ایران زمانی بای میز مذاکره نشسته که همان طرف مقابل، مسیر توافق را با اقدام نظامی یا خروج یک جانبه تخریب کرده است». بن سلمان نیز در موضعی کم سابقه و صریح اظهار کرد: «عربستان اجازه نخواهد داد از خاک یا حریم هوایی اش برای هرگونه اقدام نظامی علیه ایران استفاده شود؛ فرقی هم نمی کند این حمله از سوی آمریکا باشد یا هر بازیگر دیگری». این جمله، در شرایطی که گزینه نظامی بار دیگر در ادبیات برخی مقامات آمریکایی برجسته شده، بیش از آنکه یک موضع اخلاقی باشد، یک تصمیم امنیتی و راهبردی می شده و هر کدام مسیر خودش را دارد. موضع

ما هم دقیقاً همین است که اعمال دیپلماسی از طریق تهدید نظامی نمی تواند نتیجه بخش باشد. اگر می خواهند مذاکره شکل بگیرد، حتما باید تهدید، زیاده خواهی و طرح ریاض، برخلاف برخی بازیگران منطقه ای، نه تنها علاقه ای به ورود به یک جنگ فراگیر ندارد، بلکه تلاش می کند خود را از هرگونه نقش مستقیم یا غیرمستقیم در سناریوی درگیری کنار بکشد. همچنین عراقچی وزیر امور خارجه نیز در ادامه راینی ها به دیپلماتیک خود، با فیصل بن فرحان وزیر امور خارجه عربستان سعودی به صورت تلفنی گفت وگو کرد. در این تماس تلفنی، وزرای امور خارجه ایران و عربستان ضمن مرور محورهای گفت وگوی مفید رئیس جمهور پزشکیان و ولیعهد عربستان محمد بن سلمان، درباره تحولات منطقه ای و بین المللی تبادل نظر کردند.

«آرمان ملی» وظایف دولت ها در حوزه فقر را تحلیل می کند

مطالبات اقتصادی طبقات آسیب دیده

کمال الدین پیرمودن: راهی جز «خروج دولت از اقتصاد» نداریم

کشور دچار مشکل است، طبیعی است که معیشت مردم نیز آسیب ببیند. منظور من از تغییر ساختار، افزایش قیمت ارز یا تصمیمات مقطعی از این دست نیست، چرا که این ها مسائل حاشیه ای هستند. تک نرخی شدن ارز همواره قابل انجام بوده و کار سخت و پیچیده ای محسوب نمی شده است اما این اقدام تنها زمانی می تواند مثبت تلقی شود که در کنار آن، معیشت مردم حفظ شود. در شرایط فعلی چنین اتفاقی رخ نداده است». او در ادامه با اشاره به سیاست های پارانهای دولت می تواند بگوید دولت چهارم قرار گرفته است. ادامه داد: «در شرایط فعلی ممکن است برای هر فرد ماهانه ۴ تا ۵ میلیون تومان افزایش هزینه ایجاد شود، در حالی که یارانه یک میلیون تومانی دولت عملاً مشکلی را حل نمی کند. سیاست های اقتصادی باید با در نظرگرفتن واقعیت زندگی مردم اجرا شود. دولت می تواند همزمان با یکسان سازی نرخ ارز، ۱۰ قلم کالای اساسی را تحت حمایت ویژه قرار دهد. سازوکار این اقدام در دولت وجود دارد. حمایت از کالاهای اساسی می تواند بخشی از فشار معیشتی را کاهش دهد. این کالاهای به هم مردم داده شود و صرفاً توسط خود دولت وارد و تأمین شود. در این مدل، دلالت و کارچاق کن ها حذف می شوند. این موضوع اساساً زنجاری با رانت ندارد. با سیاست های کنونی فقرا به فراموشی سپرده شده اند. در حالی که دولت نسبت به طبقات ضعیف و فقیر مسئولیت مستقیم دارد. نسبت دادن حمایت از مردم به رانت خواری، یک خطای فکری است. دولت موظف به حمایت از طبقات ضعیف است و اینکه تصور شود دولت کارهای نیست، تفکر نادرستی است. دولت در قبال مردم مسئولیت دارد و باید پاسخگو باشد». این فعال سیاسی در همین مورد با تاکید بر اینکه سیاست خارجی دومین محور پیشران برای عبور از بحران های اساسی موجود است، اضافه کرد: «درباره سیاست خارجی باید بنشینیم و مشکلات خود را حل کنیم. سیستم اقتصادی فعلی کشور از پایه دچار اشکال است چرا که این اقتصاد نه مزیتی است، نه رقابتی و نه تخصصی؛ بنابراین از نظر من اگر اقتصاد و معیشت مردم و سیاست خارجی به صورت اساسی اصلاح شوند، سایر مسائل اعم از اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی نیز قابل حل خواهند بود».

عدم عملکرد مثبت دولت ها در حوزه فقر به این بهانه که سایر سازمان ها می توانند این آسیب را کنترل کنند و البته دخالت مستقیم در مورد جزئی ترین مسائل اقتصادی باعث شده که جامعه هر روز بیشتر با آسیب های منشعب از فقر دست و پنجه نرم می کنند. در این مورد روزگدشته حسین کمالی، فعال سیاسی وزیر کار دولت های اصلاحات و سازندگی با ابراز نگرانی از وضعیت کنونی اقتصادی-اجتماعی به ایسنا گفت: «امروز ما با یک کلاف درهم تنیده ای از مسائل مواجه هستیم که ریشه یابی این وضعیت نیازمند نگاه کلان و اولویت بندی درست است؛ در این راستا دو بخش را باید به عنوان محورهای پیشران مورد توجه ویژه قرار داد که نخست، مسائل معیشتی و اقتصادی است؛ اقتصاد کشور به گونه ای است که نه کارگر، نه کارفرما و نه حتی دولت از آن رضایت ندارند. وقتی وضعیت اقتصادی

آرمان ملی

سیاست

گزارش

روایت رسول منتجب نیا از لزوم برون رفت از شرایط فعلی جامعه

عقلا و نخبگان پیشنهاد ارائه می کنند
اما صدای شان شنیده نمی شود

برخورد مهربانانه عملی با مردم و شنیدن اعتراضات آنها می تواند راهگشا باشد

یک فعال سیاسی اصلاح طلب درباره نقش تندروها در مقابله با اصلاحات کشور اظهار داشت: بعد از جنگ ۱۲ روزه که همه اذعان داشتند مردم با انسجام کامل از نیروهای مسلح حمایت کردند و این خطر بزرگ دفع شد، مسئولان محترم ما عملاً کار مثبتی برای مردم انجام ندادند و فقط به تشویق و تشکر اکتفا کردند که این دور از انصاف و عدالت بود؛ چرا که پاسخ مردم باید در عمل داده می شد، نه صرفاً در گفتار. بلکه روزبه روز معیشت مردم سخت تر و تنگ تر شد و سفره مردم کوچک تر گردید و فشارهای اقتصادی افزایش یافت که همین مسائل منجر به اعتراضات شد. خبرآنلین نوشت: حجت الاسلام رسول منتجب نیا گفت: از نظر حق شناسی، رعایت حقوق دیگران و در نهایت از منظر اعتدال اخلاق و رفتار با رفتارهای ضد اجتماعی نیز تفاوت های اساسی وجود دارد. به همین ترتیب، ریشه ضرورت حاکمیت مشخص می شود؛ اینکه چرا حاکمیت در جامعه لازم است. حکومت و حاکمیت برای ایجاد هماهنگی، ترسیم مهندسی اعتدال، حفظ و حراست از حقوق طبیعی افراد ناتوان و در نهایت تشکیل جامعه ای عقلانی، عادلانه، سالم، باکرامت و عزت شکل می گیرد. وی افزود: تقویض قدرت و امکانات از سوی مردم به اولیای امور تنها برای رساندن جامعه به چنین ایده و هدفی است؛ وضعیتی که مطلوب همه عقلاست. قدرت و اختیار مطلق به مسئولان و حاکمیت داده می شود بدون توجه به پایگاه، مطالبات، مصادیق و منافع مردم. در حقیقت، حکومت و ارکان و اجزای آن عبارت اند از قوه عاقله و مفکره جامعه، مجری درخواست ها، تأمین کننده حقوق تک تک ملت و مدافع مردم در برابر هر ظلم، بی عدالتی، تجاوز و تهدید از داخل و خارج. دبیر کل حزب جمهوریّت ایران اسلامی بیان کرد: تصمیم گیران کشور و مجریان حکومت باید از خردمندترین، اندیشمندترین، مجرب ترین، وابسته ترین و عادل ترین افراد جامعه باشند. حاکمیت در واقع مانند میزان، دماسنج، فشارسنج و ترازوی است. هر سخنی باید در جای خود بیان شود و هر تصمیمی متناسب با شرایط موجود و مطابق با خواست مردم و موکلان اتخاذ گردد. هرگز حاکمیت نباید بر اساس خواست های شخصی، باندی، جناحی یا تحت تأثیر تعارض منافع تصمیم گیری کند. منتجب نیا اظهار کرد: اعتدال، همانند عدالت، پایه و اساس آفرینش طبیعت و شریعت است. «استقامت السماوات و الارض». تمام پدیده ها بر اساس عدل و اعتدال شکل گرفته اند و باید در تمامی شؤون حکومت، عدالت و اعتدال مشاهده شود. وی افزود: از امروز لازم و ضروری است مسئولان از این دو خصلت نادرست کاملاً مبرا باشند و اجازه ندهند در زیرمجموعه خود نطفه افراط و تفریط منعقد شود و از وجود، رشد و گسترش آن به شدت جلوگیری کنند. با اینکه انقلاب اسلامی ما بر پایه عدل بنا شده و موارض و تبعات فاسد بسیاری از انقلاب ها را نداشت، اما متأسفانه افراط گرایی سر برآورد و شوربخانه مورد حمایت و تقویت قرار گرفت. وی ادامه داد: در بسیاری از مراکز تصمیم گیری، نهاد های انقلابی و مراکز فرهنگی و فکری، این رفتارها جزو برنامه انقلابی قلمداد شد و این روش را به عنوان انقلابی گری، حزب الهی بودن و دینداری تفسیر و تعبیر کردند. برخی از مسئولان کشور به جای مقابله با آن، به حمایت، تقویت، اعطای اختیارات ویژه، اعتبارات بانکی و امکانات خاص به صاحبان این تفکر پرداختند. این پدیده شوم موجب پیدایش و گسترش ناراضیاتی و بی اعتمادی مردم و فاصله گرفتن آنها از نظام و مسئولان و نهاد ها شد.

تندروها و ناراضیاتی عمومی

منتجب نیا تصریح کرد: نقش اظهارات و مصوبات این گروه افراطی که مردم را ندیند و با توهمات و احساسات خود تصمیم گرفتند، در ایجاد و گسترش ناراضیاتی عمومی بسیار گسترده است؛ از فشار بر رئیس جمهور و دولت در انتخاب وزرا، استانداران و فرمانداران گرفته تا تحمیل تصمیم ها، تصویب قوانین خشم آفرین برای جامعه، برخورد ها با قهرمانان و جوانان و دخالت و تصرف در بخش زیادی از وظایف دولت ها و ایجاد سنگ اندازی و کارشکنی در مسیر اقدامات مردمی و مفید دولت. گویی تمامی ۹۰ میلیون ملت ایران کلیه اختیارات و حقوق خود را به اقلیتی محدود از افراطیون و تندروها واگذار کرده اند؛ گویی سرزمین پهناور ایران از نخبگان، دانشمندان و صاحب نظران خالی شده و کلید کشور به دست عده ای خاص سپرده شده است. در حالی که اکثر عقلای کشور و اغلب نخبگان ملت در گوشه خانه نشسته اند و نسبت به آینده و خیم نظام و کشور غصه می خورند و فریاد می زنند و نقطه نظر و پیشنهاد ارائه می کنند، اما صدایشان شنیده نمی شود. این فعال سیاسی بیان کرد: پیشنهاد آنها به جایی نمی رسد. تنها راه حل و راه نجات کشور، اول کوتاه کردن دست افراد نابخرد، افراطی، عقده ای و مال و منصب پرست از کلیه مسئولیت های کلیدی و امکانات و اعتبارات است. دوم، بهادادن هرچه بیشتر به مردم و روی کارآوردن انسان های شریف، با شخصیت، دانشمند، مجرب و نخبه و سپردن مسئولیت ها به آن ها. سوم، قطع واگذاری اعتبارات و امکانات به افراد نالایق و مراکز غیرمردمی و کانون های تولید و پرورش افراط گرایی. چهارم، توجه به آحاد ملت با هر مذهب، نژاد و رنگ، حل مشکلات معیشتی و اشتغالی، برخورد مهربانانه و عملی نه صرفاً گفتاری با مردم، شنیدن انتقادها و اعتراضات آنها و ایجاد تریبون و محل مناسب برای بیان مطالبات. پنجم، بازخوانی و تجدید نظر در ساختار نظام، قانون اساسی و قوانین عادی و در نهایت، ایجاد تغییر و تحول در نظام آموزشی ابتدایی، متوسطه و عالی و تربیت جوانان برای آینده کشور. به نظر من این موارد می تواند راهگشا باشد و کشور را به سمت اعتدال و عقلانیت رهنمون کند.